

جلسه دوم شرح دعای افتتاح

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۴۰/۰۹/۰۶ مقارن با ۱۳۹۸/۰۲/۲۲ هجری شمسی

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَتَبِيحَةَ الْعَالَمِ، هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ، سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ، أبا القاسم المصطفى مُحَمَّدٌ (ص) وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَلَعْنُ الدَّائِرِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ أَلَانِ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

شرح و تفسیر دعای افتتاح که در جلسه پیشین در مورد سند این دعا صحبت کردیم، از امروز شروع می شود، ما هم حال و هوای جلسه را عوض کنیم و هم عطر مناجات را در مجلس خود پراکنده کنیم. هر روز ۲ الی ۳ دقیقه متن دعای افتتاح را زمزمه می کنیم و بعد داخل دعا وارد می شویم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ وَأَيُّقِنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ التَّكَالِ

وَالنَّقَمَةِ وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبَّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ. اللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسَأَلَتِكَ فَاسْمَعْ يَا سَمِيعٌ مِدْحَتِي وَأَجِبْ يَا رَحِيمٌ دَعْوَتِي وَأَقِلْ يَا غَفُورٌ عَثْرَتِي فَكَمَا يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدَفَرَجْتَهَا وَهَمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرَةٌ تَكْبِيرًا. صلواتی عنایت بفرمایید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

ما در دعای افتتاح ۳ محور اساسی را مورد عنایت این دعا می بینیم. محور اول که به تفصیل مورد بررسی و بحث قرار گرفته (است)، محور خداشناسی است.

محور دوم که نسبتاً کمتر و کوتاه تر مورد بررسی است محور راه و راهنماشناسی است، چه بحث امامت، چه بحث نبوت.

محور سوم که باز و پر و پیمان مورد بحث و بررسی است محور مهدویت است. در کمتر دعایی ما به مانند دعای افتتاح این محور را یعنی محور مهدویت را گسترده داریم. باز در هر یک از این ۳ محور در چند ساحت، بحث و بررسی قرار گرفته است.

در محور خداشناسی صفات فراوانی برای پروردگار در این دعا مورد عنایت است. پایه ذکر این صفات هم حمد الهی است. بیشترین واژه ای که در دعای افتتاح تکرار شده (است)، واژه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» است. خیلی این کلمه در این دعا تکرار شد. مستحضرید در روایات ما به ما دستور دادند در ذات خدا فکر نکنید و گفتند سرش هم این است که اگر در ذات خدا فکر کنید دیوانه می شوید، جنون به شما دست می دهد.

یک موجود منتهای بخواید تأمل کند در یک ذات لا یتناهی، این نه تنها فکرش به جایی نمی رسد، بلکه آرام، آرام گیج می شود، منگ می شود، بعد هم قاطی می کند و داشتیم در میان علما این چنین کردند و کارشان به جنون انجامیده (است).

ما که نرفتیم، عزیزانی که رفتند، می گفتند در کشمیر، در هندوستان ما مناطقی داریم. در قله ها و دره های سرسبزی که در آن جا وجود دارد که این مناطق آن قدر جذاب و آن قدر چشمگیر است که وقتی توریست از این کوه بالا

می‌رود، از این یال کوه می‌کشد به سمت قله، زیر پایش را نگاه می‌کند، آن قدر این منطقه جذاب است که موارد متعددی داشتیم طرف از خود بیخود شده و پایین پرت شده (است) و از دنیا رفته است، مرده، کشته شده (است). آن قدر این زیبایی در چشم می‌زند. زیباترین نقطه عالم از نظر سرسبزی است. کشمیر (را) خدا ان شاء الله از دست حکومت کافر هند این بخش اسلامی را نجات بدهد. وقتی یک منظره زیبای سرسبز زمینی این چنین است، ببینید اگر ذهن انسان بخواهد در ذات الهی فکر کند، چه می‌شود و لذا دستور این است که ما در صفات الهی تأمل کنیم، در افعال الهی تأمل کنیم. الان شما چندی بعد در شب‌های قدر، در شب‌های احیا دعای جوشن (کبیر) می‌خوانید.

حضرت آیت الله جوادی آملی فرمودند من در میان دعاها، هیچ دعایی به اندازه جوشن کبیر من را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. توحید در این دعا می‌بارد و از این دعا می‌تراود. یعنی شما ببینید هزار اسم الهی و گاهی این اسم‌ها، اسم‌هایی است که انسان روزمره با آن سر و کار دارد. «یا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ»، ای خدایی که اگر من از پلکان افتادم، پایم، دستم، کمرم شکست، حالا این جوش خوردن بین دو استخوان کار تو است. تو هستی که باید عَظْمِ كَسِيرِ، استخوان شکسته را تو باید به هم جوش بدهی. ایشان می‌فرمودند در این دعا خدا كَأَنَّ همه کارها را در قبضه خودش گرفته (است). «یا ضَارُ ویا نَافِعُ»، یکی از مشکلاتی که ما در مورد دعای جوشن کبیر پیدا کردیم این است که این دعا را به سه شب احیا حبس کردیم و در سه شب قدر فقط می‌خوانیم با این که دعای جوشن کبیر دعایی است که انسان باید با آن زندگی کند. جهت اطلاع عزیزان عرض می‌کنم این آیه در قرآن کریم یک دستورالعمل عملی است. فرمود: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا». خدا هزار اسم دارد، صدها نام دارد، این نام‌ها برای این است که شما با این نام‌ها زندگی کنید، کار کنید. بسیاری از این نام‌های الهی را نه بلد هستیم، نه کارکردش را می‌دانیم. بله، می‌دانیم که اگر گنه‌کاریم بگوییم یا غَفَّارَ الدُّنُوبِ. حالا می‌خواهیم دختر شوهر دهیم، چه بگوییم؟

حالا یک جا محاصره شدیم، دشمن دور تا دور ما را گرفته است چه بگوییم؟

حالا می‌خواهیم حمله کنیم چه بگوییم؟

می‌خواهیم دفاع کنیم چه بگوییم؟

وارد بیمارستان شدیم چه بگوییم؟

وارد مرکب شدیم چه بگوییم؟

حالا قرض پیدا کردیم چه بگوییم؟

قرض دادیم به ما پس نمی‌دهند، چه بگوییم؟

همه این موارد و صدها مورد دیگر نام برایش طراحی شده (است)، در دین ما گفته با این نام برو جلو به هدف می‌رسی.

اگر مریض داری یا شافی، یا معافی، یا نَعْمَ الطَّيِّبِ (ای بهترین دکتر، ای بهترین پزشک). این جا یا رَحِيمِ مثل یا نَعْمَ الطَّيِّبِ جواب نمی‌دهد.

حَقَّتْ را خورده (است) می‌خواهی خدا ازش بگیرد، یا مُنْتَقِمِ. این جا یا رَحِيمِ، برعکس جواب می‌دهد.

یک کسی از امام صادق (ع) شکایت کرد، به دادگاه طاغوت آن زمان، دادگاه هم حضرت را احضار کرد. حضرت احضار شدند، ایستادند جلوی خلیفه وقت. خلیفه گفت: «این آقا از شما شکایت دارد. شما این مطالب را پشت سر حکومت گفتید».

می‌دانید اهل بیت عصمت و طهارت (ع) اگر تبعید بودند، تبعید سیاسی بودند. زندان بودند مانند حضرت موسی ابن جعفر (سلام الله علیه)، زندانی سیاسی بودند. معصوم گناه یا خطایی نمی‌کند که جرمش زندان یا تبعید باشد. لذا تبعیدشان، زندانشان سیاسی بود.

حضرت فرمودند: «این آقا که این ادعا را دارد بینه‌ای دارد؟».

گفت: «نه».

خب، قانون این است که اگر بینه ندارد، قسم بخورد. خلیفه گفت: «قسم می‌خوری؟».

گفت: «بله که قسم می‌خورم».

گفت: «قسم بخور».

شروع کرد اسماء جمالیه خدا را ذکر کردن که بعد بگوید «أُقْسِمُ بِاللَّهِ»، جعفر ابن محمد (ع) این حرفها را زده است. یک مقدار که جلو رفت، حضرت اعتراض کرد، خلیفه گفت: «چه است».

فرمودند: «این جور قسم خوردن فایده‌ای ندارد. من یادش می‌دهم چه طور قسم بخورد».

خلیفه گفت: «شما یادش بده». آمد امام صادق (ع) و گفت این جملاتی را که من می‌گویم بگو. بگو از حول و قوه خدا بیرون باشم، به حول و قوه خودم متکی باشم، خدا من را نیامرزد، خدا بر من خشم بگیرد اگر در این قسمی که می‌خورم دروغگو باشم. از این جملات حضرت گفتند. آن هم تکرار کرد، قسم خورد، تا قسم خورد، مرد.

خلیفه گفت: «چه کار کردی؟».

حضرت فرمود: «من کاری نکردم، او داشت زرنگی می‌کرد، داشت از اسمائی استفاده می‌کرد که این جا جایش نبود».

یکی از مشکلات زندگی بشر امروز قطع ارتباط با مبداء هستی است و یکی از عوامل این قطع ارتباط این است که نمی‌داند چه طور باید ارتباط برقرار کند، چرا؟

چون علم الاسماء ندارد. اصلاً چرا فرشتگان بر من و شما سجده کردند؟، مگر ما چه داشتیم که فرشتگان بر ما سجده کردند؟

علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) اثبات می‌کند که سجده فرشتگان فقط بر آدم نبود، سجده فرشتگان بر آدمیت بود. فرشته بر آدمیت سجده کرده (است)، یعنی بر من و شما هم سجده کرده است. تعبیر قرآن هم این است

«ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ».

عَرَضَهُمْ، هم ضمیر ذکر شده است. یک علت بیشتر ندارد و آن این است که ما علم الاسماء داشتیم، فرشته در حد ما علم الاسماء نداشت. آیه‌اش چه بود؟

در همین سوره بقره «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»، ما در این علم الاسماء داریم ضعف پیدا می‌کنیم در دعای افتتاح

از اسماء و صفات الهی برای خداشناسی به وفور استفاده شده است. «يَخْلُقُ وَلَا يُولَدُ»، خالق غیر مخلوق.

قرآن می‌فرماید که همه عالم جمع شوند، یک مگس بسازند، مگس جاندار، مگس دارای نفس حیوانی، یک مگس که کارهای مگس را انجام دهد. تغذیه کند، رشد کند، تولید مثل کند، یک مگس بسازند، خالق او است، «يَخْلُقُ

وَلَا يُولَدُ»، «يَرزُقُ وَلَا يَرْزَقُ»، خدا روزی می‌دهد. تا بحث روزی پیش می‌آید، ذهن بنده و شما به حقوق آخر ماه می‌رود. کم شد، زیاد شد، کفاف می‌دهد، نمی‌دهد، شغل دوم لازم است، لازم نیست. خدا فرمود روزی را این طور نبینید. میلیون‌ها موجود نیاز به روزی دارند و شما اصلاً نمی‌فهمید و میلیون‌ها سال خدا دارد این‌ها را

روزی می‌دهد. «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»، هیچ جنبنده‌ای در عالم نیست مگر این که خدا فرمود

روزی او به گردن من است، به گردن هیچ جنبنده‌ای در عالم نیست. یعنی از ماهیان دریا، از فرشتگان آسمان، از جنیان و پری‌ها و انسان‌ها و خزندگان و چرندگان و پرندگان و کرم‌های درون خاک، تمام این‌ها روزی نیاز دارند

و خدا می‌فرماید من دارم روزی می‌دهم. آن وقت در روزی گل سرسبد جهان خلقت که «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»،

در این ماندم، به جوان می‌گویند که چرا ازدواج نمی‌کنی، ۳۲ سال است. می‌گوید که حاج آقا شغل ندارم، پول ندارم، نان ندارم. می‌گویم مگر قرار است این‌ها به تو روزی دهد؟

می‌گویم مبنای عملکرد تو می‌دانی چیست؟

می‌گوید چه است؟

می‌گویم مبنای عملکرد تو این است، تو به خدا می‌گویی خدایا من تا یک نفر هستم، می‌توانی من را روزی بدهی، تا دو نفر شدم بخیلی دیگر نمی‌توانی تو من را روزی بدهی، معنی‌اش این است و حال که این نص آیه قرآن

است که «وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامَ مِنْكُمْ»، این همسرانتان را همسر بگیرید. این‌ها بعد از ازدواج تازه در روزی برایشان

باز می‌شود. «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، اگر فقیر باشند، خدا روزی می‌دهد. این یعنی شرک، یعنی

من نمی‌دانم که روزی خور من نیستم، عالمی دارند روزی می‌خورند و خدا فرمود این بر گردن من است. یک

شخصیت مصری داریم، احمد امین مصری، کتاب‌های خوبی دارد ولی با شیعه، خب دلش صاف نیست، مشکل دارد. نویسنده توانایی است، صبح الاسلام، ضحی الاسلام، ظهر الاسلام، باعث برکت هم این فرد مصری شد

چون در کتابش نوشت شیعه یک گروه کوچکی هستند، نه شناخته شده هستند، نه نویسنده دارند، نه کتاب دارند، نه کسی آن‌ها را اعتنا می‌کند. این حرف‌ها البته برای قبل از انقلاب است، به برکت انقلاب همه چیز عوض شد و اخیراً هر کس با مقام عظمای مرجعیت عراق، حضرت آیت الله سیستانی (حفظه الله) ملاقات می‌کند، ایشان این نکته را تذکار می‌دهد.

می‌گوید: «ما تشیع را در در دنیا، گسترشش را وامدار انقلاب اسلامی ایران هستیم». گسترش تشیع وامدار انقلاب اسلامی ایران است مگر ما در نیجریه شیعه داشتیم. مگر شیخ ابراهیم زکزاکی داشتیم. نوشت شیعه نه مؤلف دارد نه مؤلف. درود بر غیرت دینی، کتاب، نجف آمد، سه تن از علمای نجف آستین بالا زدند، زدند در دهن این نویسنده جاهل.

یک (عالم اول)، مرحوم آقای شیخ آقا بزرگ تهرانی، مرحوم آقا بزرگ تهرانی کتاب نوشت الذریعه الی تصانیف الشیعه. سی، چهل جلد کتاب فقط نام کتاب‌هایی که شیعه تألیف کرده است.

مرحوم سید محسن امین عاملی از علمای سوریه کتاب نوشت اعیان الشیعه. سی، چهل جلد کتاب فقط زندگی‌نامه مختصری از شخصیت‌های شیعه، علما، حکما، فقها، ادبا، عرفا، فلاسفه، شعرا و هنرمندان شیعه.

مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء کتاب نوشت أصل الشیعه و اصولها، کتاب کوچکی است ولی بیوگرافی شیعه شد. نویسنده به غلط کردن افتاد. این را کار ایجابی می‌گویند، این را غیرت علمی و غیرت دینی می‌گویند. حالا این آقا در کتابش نوشته (است)، شیعه یک شخصیتی به نام جعفر ابن محمد (علیه‌السلام) دارد. من مرید او نیستم، او امام من نیست ولی این جعفر ابن محمد (علیه‌السلام) حرف‌هایی دارد که بعضی از این حرف‌ها را اگر با طلا بنویسند حقیقتش ادا نمی‌شود. یکی از این حرف‌ها این است، او می‌گوید، انتخاب جناب احمد امین مصری نویسنده ضحی الاسلام در کتاب‌هایش است. می‌گوید یکی از آن حرف‌ها این است که جعفر ابن محمد الصادق (علیه‌السلام) فرمود: «خدای متعال یک چیز را از بنده خواسته (است)، یک چیز را خود بر گردن گرفته (است). یک چیز را از بنده خواسته (است)، یک چیز را خودش بر گردن گرفته (است). آن (چیزی) که از بنده‌ها خواسته بر گردن خدا گذاشتند، آنی (آن چیزی) که خدا بر گردن خودش گرفته (است). این‌ها دارند دنبال او می‌دوند». بعد توضیح می‌دهد، می‌گوید امام صادق (ع) فرمود: «عبادت، طاعت، بندگی بر تو، رزق و روزی بر من». این آقا، این خانم آمده (است)، کار را برعکس کرده است. خیال می‌کند باید خودش رزق و روزی را بگیرد، دنبالش بدود، حتماً خدا باید عبادت کند!

خدا تقسیم کار کرد، فرمود تو دنبال بندگی برو. شاعر گفت، گر گرده نان شود به یکصد تومان، آن موقع نان مثلاً دو زار بوده است.

بنده به دنبال بندگی باید رفت

گر گرده نان شود به یکصد تومان

بنده باید بندگی‌اش را بکند، روزی با خدا است. می‌گوید جایش را کأن بنده عوض کرده است. فرمود «يَرْزُقُ وَلَا يَرْزَقُ، يُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ»، می‌خوراند، خودش نمی‌خورد. این صفات، صفات خداشناسانه (است)، سرش هم این است، گفتند می‌خواهید دعا:

۱. در خودت اثر کند

۲. در عالم اثر کند

۳. دیگر استجابت را بجوشاند

یک شرطش این است انسان خدا را بشناسد، بداند از که دارد می‌خواهد، بداند چه دارد می‌خواهد و لذا در این دعای افتتاح صفات الهی موج می‌زند و این صفات الهی می‌آید دستی از انسان می‌گیرد البته باید انسان ببیند صلاحش چیست، همان را از خدای متعال بخواهد و به داده الهی هم راضی باشد. خدا رحمت کند آقای شیخ عباس قمی را نویسنده کتاب مفاتیح الجنان و ده‌ها کتاب دیگر، ایشان یک داستان شیرین نوشته است. می‌گوید یک بنده‌خدایی یک الاغی داشت، سوار بر این الاغ چند تا خیک روغن برای فروش گذاشته بود. روغن‌های آن موقع هم مثل الان همه‌اش روغن پالم نبود، روغن زرد کرمانشاهی و خلاصه خاصیت داشت. روغن صنعتی را مردم نمی‌خوردند که مریض شوند. این روغن‌ها را بار این الاغ کرده بود و داشت می‌برد به مقصد برسد. اول اذان ظهر به یک کاروانسرای رسید. گفت خب اول وقت برویم نمازمان را بخوانیم، بندگی‌مان را کنیم. آمد به طرف کاروانسرا نماز بخواند، یادش رفت افسار این الاغ را ببندد، الاغ رها شد. نماز ظهرش را خواند، نماز عصرش

را خواند، رکعت آخر نماز عصر یادش افتاد ای وای ما این افسار الاغ را نبستیم. الاغ‌ها هم عادتشان این است، چمنزار که می‌بینند، می‌نشینند، بعد دراز می‌کشند، بعد شروع به غلت زدن می‌کنند، از این سبزه‌ها کیف می‌کنند. با خودش گفت نماز را بشکنیم، نشکنیم، چه کار کنیم، گفت ولش کن خدا بزرگ است. نمازش را تمام کرد، تسبیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها)، تعقیبات، بلند شد آمد رسید دم در کاروانسرا، با یک فاصله‌ای الاغ ایستاده بود، دید نه الاغ ایستاده و این ظرف‌ها و خیک‌های روغن هم روی دوشش است. دو قدم برداشت، الاغ نشست، پنج قدم دیگر برداشت، الاغ خوابید. تا آمد به این الاغ برسد این الاغ شروع به غلت زدن و غلت زدن کرد، هر چه روغن بود ریخت و به تن این الاغ بیچاره مالید. این هم آمد آرام، آرام بالا سر این الاغ چرب بدون روغن بر پشت ایستاد. یک نگاهی به آسمان کرد، یک نگاهی به زمین کرد، دو مرتبه یک نگاهی به آسمان کرد، دست‌هایش را به آسمان بلند کرد گفت: «خدایا شکر». یک مقدار تأمل کرد، حالا دلش دارد می‌جوشد. رو کرد به آسمان و گفت: «خدایا باورت نشود، این شکر از صد فحش بدتر بود». گاهی ما الهی شکرمان هم از صد فحش بدتر است. نه، واقعاً اگر انسان در پیشگاه الهی بندگی می‌کند، یکی از چیزهایی که از ما خواستند رضا به قضای الهی است. دو، سه جمله اول دعا را معنا کنم.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغِيحُ الشَّيْءَ بِحَمْدِكَ»، خدایا من آمده‌ام تو را ثنا بگویم. می‌دانید همه زیبایی‌ها از خدا و برای خدا است. قرآن کریم سه مطلب را کنار هم گذاشته است.

یک (مورد اول)، فرمود هر چه آفریده است، خدا آفریده است، کسی غیر خدا آفریننده نیست. هر چه خدا آفریده است، قشنگ آفریده است، زیبا آفریده (است). «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»، آفریننده او است. «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»، هر چه آفرید قشنگ آفرید، زیبا آفرید. عالم، زیبایی مطلق است. بعد فرمود گول نخوری، اگر در جهان زیبایی می‌بینی، این گل یاس، این گل محمدی، این رود، این باران، این سبزه‌ناکی، هر چه زیبایی هست برای او هست. خالق، زیبا بوده (است) که خلق، زیبا است. خالق، قشنگ بوده (است) که خلق، قشنگ و زیبا است، جمال برای او است چون خدا زیبایی مطلق است پس ثنا می‌طلبد، ستایش می‌طلبد. می‌فرماید که خدایا من آمده‌ام به حمد و ثنای تو بنشینم اما می‌خواهم این ثنا و ستایش تو را با حمد آغاز کنم.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغِيحُ الشَّيْءَ بِحَمْدِكَ»، از ته ته دل بگویم «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». واژه‌ای که شما هر شبانه‌روز لااقل ده بار می‌گویید. در هفده رکعت نمازهای واجب در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی و سه رکعتی سوره حمد می‌خوانید.

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، معنی‌اش این است که حمد و سپاس ویژه پروردگار است، چرا؟ علتش روشن است، حمد در مقابل خوبی و زیبایی است، زیبایی ویژه خدا است، خوبی ویژه خدا است، حمد و سپاس هم برای خدا است.

هر حمدکننده‌ای هر کس را حمد کند، دارد خدا را حمد می‌کند. این همه ما عنوان عشقی داریم، این همه اثر هنری داریم. طرف نامزدش را نقاشی می‌کند، محبوبش را نقاشی می‌کند، مرادش را نقاشی می‌کند، این (فرد) دارد جلوه الهی را، زیبایی خدا را نقاشی می‌کند. اعجاب به حسن دیگری یعنی اعجاب به حسن پروردگار چون هر چه خوبی و زیبایی است، برای خدا است.

خب من آمدم با تو حرف بزنم، حمد و ثنا کنم، تو باید زبان من را تصدیق و تأیید کنی، «وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْتِكَ»، اگر من حرف خوب بزنم، اگر من راه خوب بروم، تو هستی که داری من را تصدیق و تأیید می‌کنی. سی سال است مقام معظم رهبری دارند سخنرانی می‌کنند. هفته‌ای یک بار، هفته‌ای دو بار، هفته‌ای سه بار در جمع نظامیان، در جمع معلمان، در جمع لشکریان، در جمع کشوریان.

تمام وهابیت ایستاده است، یک بار یک غلط قرآنی از ایشان بگیرد. مثلاً آقا بخواهند یک آیه‌ای بخوانند، یک من را آن بخوانند یا آن را من بخوانند یا یکون را تکون بخوانند که این‌ها در بوق کنند که رهبر شیعه قرآن بلد نیست، نکرده، نشده است.

«وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْتِكَ»، تو هستی که زبان را از لغزش نگه می‌داری. تو هستی که نمی‌گذاری یک انسان مومن در رفتارش بلغزد و من الان که می‌خواهم به حمد تو بنشینم، محتاج تأیید تو هستم. تو هستی که نمی‌گذاری من کار بد کنم.

یک کد بدهم بحث امروز را تمام کنم. قرآن کریم فرمود اگر می‌خواهید در رفتارتان شایسته عمل کنید باید خدا این توفیق را به شما بدهد و برای این که خدا این توفیق را به شما بدهد ۲ شرط وجود دارد:

۱. اهل ایمان باشید

۲. زبان خودتان را مواظبت کنید

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا، يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ».

خدا وعده داد، فرمود ای اهل ایمان، پس ایمان شرط است. مومن باشید بعد فرمود اگر می‌خواهی خدا عملت را اصلاح کند، همیشه از تو عمل شایسته سر بزند، راهش این است حرفی که می‌زنی محکم باشد، سنجیده باشد و استاد ما حضرت آیت الله حسن‌زاده آملی (حفظه الله) فرمودند: «آقا بیست سال ریاضت می‌خواهد، بیست سال طول می‌کشد یک آدمی بتواند فکش را اداره کند». هر چه نگویید، هر جا نگویید، غیبت نکنند، تهمت نکنند، ایذاء مومن نکنند، پرحرفی نکنند، چه قدر ما ضربه زبان می‌خوریم.

روایت، ختم کلام من، فرمود صبح به صبح تمام اعضاء و جوارح انسان که همه زنده‌اند، می‌دانید، عالم زنده است، ما مرده در عالم نداریم. این زمین زیر پای ما زنده است، آسمان، زنده است، کوه و دشت و بر و بحر زنده‌اند.

حضرت داود (علیه‌السلام) دعا می‌خواند، همه کوه‌ها با او دعا می‌خوانند، «يَا جِبَالُ أُوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ». حضرت سلیمان (علیه‌السلام) دعا می‌خواند، پرنده‌ها با او می‌خواندند. زمین زنده است، زمان زنده است. در این جهانی که همه و همه زنده هستند اگر بخواهیم مورد تأیید قرار بگیریم راهش این است. فرمود صبح به صبح همه اعضاء و جوارح با زبان ملکوتی رو به زبان می‌کنند، می‌گویند اگر تو امروز درست باشی، ما درست هستیم، اگر تو گند بزنی، ما هم گند زدیم. همه اعضاء و جوارح تابع این (زبان) می‌شود و این (زبان) اگر بتواند مهارت نه گفتن، مهارت کم گفتن را پیدا کند، کار سختی هم هست. حرف نزدن خیلی کار سختی است، کم حرف زدن خیلی کار

سختی است. اگر بتواند این مهارت را پیدا کند، خدای متعال قول داد که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا

سَدِيدًا، يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ». اگر زبان استقامت و استحقاق پیدا کرد خداوند عمل انسان را مستحکم می‌کند.

خدایا ما را بر بهترین اعمال به خصوص در این ماه رمضان موفق و موید بدار.

خدایا بهترین‌ها را روزی امت اسلامی بفرما.

خدایا شر این تازه‌واردان به منطقه، شر لشکر ترامپ را به خودشان بازگردان.

بارالها، رهبر ما، تاج سر ما، سایه‌اش را بر سر جهان اسلام مستدام بدار.

ما را در این ماه به خودت بیش از پیش مقرب بفرما.

مرضای ما، مریضان منظور شفای عاجل عنایت بفرما.

ارواحشان منتظر است، خدایا روح گذشتگان، گذشتگان این جمع، رهبر راحل، شهدای مدافع حرم سر سفره کرم بی‌انتهایت میهمان بفرما.

«صَلُّوا عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

پایان جلسه دوم شرح دعای افتتاح